



The Examining the Role of Economic Factors in Promoting Production from the Perspective of Fiqh and Hadith *

Seyyed Mofid Hosseini Kouhsari¹ and Mohsen Khoshfar² and Mohammad Ridwan al-Islam Khan³

Abstract



A lack of production and underutilization of economic resources remain among the primary economic challenges faced by nations, particularly in Islamic countries. To address this issue, solutions have predominantly relied on theories and recommendations by economists and production specialists rooted in secular human sciences, while often neglecting the foundational principles, viewpoints, and economic frameworks provided by Islam. An exploration of Quranic teachings and Prophetic traditions reveals potential strategies for overcoming obstacles and fostering economic growth and production. This article investigates the economic factors contributing to production growth as emphasized in the hadith collections of both Sunni and Shia traditions. It seeks to answer the question: “What is the role of economic factors in fostering production from the perspectives of Islamic traditions of Shia and Sunni” The study identifies key elements that significantly impact production growth, including a commitment to diligence and labor, the importance of capital generation, effective land utilization, and a focus on agriculture and mining. The research employs a descriptive-analytical method, utilizing library-based sources and drawing from Quranic verses and the Prophetic traditions of both Sunni and Shia traditions. The purpose of this article is to revisit and elucidate the economic factors influencing production growth within the teachings of Islamic traditions of Shia and Sunni, thereby bridging the gap between Islamic economic principles and contemporary production challenges.

Keywords: Islam, Islamic Economics, Production Growth, Two Major Sects of Shia and Sunni, Economic Development.

*. **Date of receiving:** 14 March 2022, **Date of modification:** 17 October 2022, **Date of approval:** 30 November 2022.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences, Al-Mustafa International University, Qom; (smofid.hoseini@gmail.com).

2. Assistant Professor, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom; (Mohsenkhoshfar@yahoo.com).

3. Ph.D. Graduate in Comparative Hadith Studies, Al-Mustafa International University, Qom (Corresponding Author); (khan11092@gmail.com).



بررسی نقش عوامل اقتصادی در رونق تولید از منظر روایات فریقین*

سید مفید حسینی کوهساری^۱ و محسن خوشفر^۲ و محمد رضوان السلام خان^۳



چکیده

کاستی در تولید و بهره‌بردن از منابع اقتصادی، یکی از مشکلات عمده اقتصادی در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای اسلامی است. تا کنون، برای رفع این مشکل بیشتر به نظریات و راهکارهای اقتصاددانان و متخصصان عرصه تولید که مبتنی بر علوم انسانی است، تکیه شده و کمتر به مبانی، آراء و برنامه‌های اقتصادی اسلام توجه شده است. با مروری بر آموزه‌های قرآنی و روایی، می‌توان به راهکارهای رفع موانع و رشد و رونق تولید دست یافت. این نوشتار، به بررسی عوامل اقتصادی رونق تولید در منابع روایی فریقین پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که «نقش عوامل اقتصادی در رونق تولید از منظر فریقین چیست؟». در بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که «اهتمام به کار و تلاش»، «توجه به فراهم‌سازی سرمایه»، «بهره‌گیری از زمین» و «توجه به زراعت و معدن» از عوامل مهم و تأثیرگذار در رونق تولید هستند. نوشتار حاضر، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با استناد به آیات قرآنی و منابع روایی فریقین گردآوری شده است. هدف از تدوین این نوشتار نیز بازخوانی و تبیین نقش عوامل اقتصادی رونق تولید در منابع فریقین است. واژگان کلیدی: اسلام، اقتصاد اسلامی، رونق تولید، فریقین، رونق.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹.

۱. استادیار گروه قرآن و علوم جامعة المصطفی (ص) العالمية، قم؛ (smofid.hoseini@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم حدیث، جامعة المصطفی (ص) العالمية، قم؛ (Mohsenkhoshfar@yahoo.com).

۳. دانش‌آموخته دکتری علوم حدیث تطبیقی، جامعة المصطفی (ص) العالمية، قم، «نویسنده مسئول»؛ (khan11092@gmail.com).



مقدمه

اقتصاد از آنجا که با بخشی از زندگی انسانی (بعد مادی) سر و کار دارد، همواره در طول تاریخ مورد توجه حاکمان و زمامداران کشورهای مختلف بوده است. در دوران کنونی که بشریت با مشکلات و محدودیت‌های گوناگون رو به رو است، ضعف سیستم اقتصادی یا اندک بودن تولید، از مهم‌ترین مشکلات و معضلات به شمار می‌رود. برای رفع این مشکل، دولت‌ها و سیستم‌های اقتصادی به راهکارها و چاره‌جویی‌های گوناگونی شتافته‌اند.

از آنجا که اسلام دین همه‌شمول است، در آموزه‌های دینی و در پرتو قرآن و روایات، راهکارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گوناگونی برای رشد حیات اجتماعی انسان‌ها، خصوصاً در مسئله رونق اقتصادی، بیان گردیده است. با در نظر گرفتن این مسئله، می‌توان گفت در منابع دینی، به ویژه روایات فریقین، عوامل اقتصادی نقش مهمی در رونق تولید دارند و بازخوانی و تحلیل این مسئله می‌تواند ما را به بنیان‌های اقتصاد اسلامی آشنا سازد.

از جمله آثاری که جنبه عمومی دارند، می‌توان به آثاری چون: «چگونگی به‌کارگیری عوامل رونق تولید و حداکثر کردن سود در اقتصاد خرد» (منکیو، ۱۳۹۳: ۳۰۱ و ۴۴۳) و «سرمایه‌گذاری و ارزیابی طرح‌های مربوط به آن در اقتصاد کلان» (فرجی، ۱۳۷۳: ۱۰۹) اشاره نمود.

الف. مفاهیم

از آنجا که مفاهیم در هر نوشتاری در پیچه ورود به مباحث اساسی آن نوشتار است، در این نوشتار نیز چند مفهوم اساسی ذکر می‌گردد.

روایت: «روایه» به معنای نقل سخن، شعر یا خبر از کسی است. همچنین اصطلاحی است در نقل حدیث، فقه و قرأت. (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «روایه»). زمانی که رسول خدا ﷺ وفات یافت، اصحاب آن حضرت مجبور به جمع‌آوری قرآن و اقوال وی شدند. این امکان نداشت مگر اینکه اقوال صحابه که از پیغمبر ﷺ شنیده شده بود را گرد آورند. پس روایت حدیث پدید آمد و هر کس که حدیثی از پیغمبر شنیده بود به دیگری ابلاغ کرد. چون عصر صحابه سپری شد، نوبت به تابعان رسید و آنان احادیثی را که از زبان صحابه شنیده و فراگرفته بودند در مجالس و محافل برای مردم می‌خواندند و آنان در حفظ و روایت احادیث و اسناد آن‌ها سعی جدی بلیغ داشتند (همان).

فریقین: فریقین یا فریقان به معنای دو فریق و دو گروه است. در کتاب‌های مسلمانان معمولاً برای اشاره به دو مذهب اصلی دین اسلام یعنی شیعه و اهل سنت استفاده می‌شود (محدثی، ۱۳۸۵: ۴۶۵). بر همین اساس اصطلاحاتی مانند منابع یا کتاب‌های فریقین، روایات فریقین، علمای فریقین، فقهای

فریقین و اعتقادات فریقین رایج شده است (همان). برخی بر اساس حدیثی از امام عسکری علیه السلام گفته‌اند که کلمه «جانّین» نیز به همین معناست و برای اشاره به شیعه و اهل سنت به کار می‌رود (همان). اصطلاح فریقین گاه برای اشاره به جنیان و انسان‌ها نیز به کار رفته است (معین، ۱۳۹۱: ذیل واژه «فریقین»). در تحقیق حاضر، فریقین به معنای دو گروه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به کار رفته است. عوامل اقتصادی: مفهوم «عوامل اقتصادی» در منابع لغوی از جمله لغت‌نامه دهخدا (صفت) منسوب به اقتصاد است که مراد از آن امور اقتصادی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «اقتصادی»). اقتصاد: دومین واژه مهم در این نوشتار، واژه «اقتصاد» است که در اصطلاح علم اقتصاد به دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف گفته می‌شود (نظری، ۱۳۹۵: ۳۹). مراد از عوامل اقتصادی، عواملی است که به طور مستقیم با اقتصاد رابطه داشته باشند، مانند دانش اقتصادی، زمین و کشاورزی، و سرمایه.

رونق: مفهوم «رونق» نیز در لغت به معنی «آب کار، روایی، نیکویی، پیشرفت امر» بیان شده است (معین، ۱۳۹۱: ذیل واژه «رونق»). همچنین «رونق» به معنی گرمی بازار، نظام مملکت و رونق دولت و ... است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «رونق»).

تولید: واژه و مفهوم «تولید» نیز که از مفاهیم اساسی این نوشتار است، واژه‌ای عربی بوده و از «ولد» مشتق شده و به معنی إنشاء و إنتاج چیزی از چیز دیگر آمده است (لویس معلوف، ۱۳۸۰: ذیل واژه «ولد»؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ذیل واژه «ولد»؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل واژه «ولد»). در زبان عربی به جای واژه «تولید»، از واژه «انتاج» استفاده می‌شود. از جهت اصطلاحی نیز برای واژه «تولید» تعاریف گوناگونی شده است. از جمله آن تعاریف می‌توان به «ساخت کالا یا ارائه خدمات» اشاره نمود (تقوی، ۱۳۷۵: ۱۶). همچنین تولید به معنی «از اصل چیزی پدید آوردن» تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «تولید»). برخی تولید را فرایندی دانسته‌اند که از طریق آن، عوامل تولید به یکدیگر می‌پیوندند و محصولات را پدید می‌آورند (اورعی، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

ب. عوامل اقتصادی از منظر روایات فریقین

رویکرد اصلی در این نوشتار تکیه بر بازخوانی عوامل اقتصادی رونق تولید از منظر روایات فریقین است. در ادامه به این موضوع پرداخته شده و با بررسی روایات شیعه و اهل سنت، تحلیل‌هایی ارائه می‌شود. عوامل اقتصادی مورد بررسی در این نوشتار عبارتند از: (۱) کار و تلاش هدفمند؛ (۲) سرمایه‌گذاری مطمئن؛ (۳) بهره‌گیری مطلوب از زمین؛ (۴) زراعت هوشمند؛ (۵) معادن فعال؛ (۶) استفاده بهینه از تکنولوژی و دانش اقتصادی.



- هر یک از این عوامل می‌تواند به طور قابل توجهی در رونق اقتصادی کمک کند.
- کار و تلاش هدفمند: تلاش‌هایی که با توجه به نیازهای روز انجام می‌شوند، می‌توانند موجب رونق جامعه شوند.
- سرمایه‌گذاری مطمئن: سرمایه‌گذاری‌های امن در پروژه‌های تولیدی می‌توانند نقش بسزایی در توسعه اقتصادی ایفا کنند.
- بهره‌گیری مطلوب از زمین: استفاده بهینه از زمین در بخش‌های مختلف از جمله مسکن می‌تواند تاثیر زیادی بر اقتصاد داشته باشد.
- زراعت هوشمند: کشاورزی با توجه به ظرفیت‌های محلی و استفاده از جدیدترین دستاوردهای کشاورزی می‌تواند به تولید بیشتر کمک کند.
- معادن فعال: فعال کردن معادنی که می‌توانند نیازهای بازار را در عرصه ملی یا بین‌المللی تأمین کنند.
- استفاده از تکنولوژی و دانش اقتصادی: بهره‌برداری از تکنولوژی، به ویژه در صنعت، و دانش اقتصادی، به خصوص در بازار بورس یا ارز دیجیتال، می‌تواند به رونق تولید کمک کند.

۱. کار و تلاش هدفمند

کار و تلاش هدفمند از عوامل مهم رونق اقتصادی است. امروزه هم اصل کار و این که چگونه و در چه قالبی عرضه شود و هم نیروی کار، از موضوعات مهم در رونق اقتصادی به شمار می‌روند. در صورتی که کارگزاران اقتصادی بتوانند بهترین استفاده را از نیروی کار در کارخانجات صنعتی و غیره ببرند و تلاش کارگران را هدفمند سازند تا بیشترین بازده و سوددهی را داشته باشند، می‌توانند در فرایند رونق تولید نقش بسزایی ایفا کنند. مسئله کار هدفمند به صورت کلی در روایات فریقین اشاره شده است که بدان‌ها پرداخته‌ایم.

نخستین عاملی که در منابع روایی فریقین به عنوان عامل اقتصادی رونق تولید اشاره شده است، کار و تلاش است. کار در لغت به معنی «فعل، عمل و کردار» است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «کار»). در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام کار و تلاش از بهترین اعمال دانسته شده و نسبت به دوام آن تأکید شده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۱۲/۳). علامه مجلسی با استناد به سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام در شرح این روایت تصریح می‌کند که کار اندک در صورتی که دوام داشته باشد، بهتر از کاری است که باعث خستگی انسان و رهاسازی آن گردد (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴: ۸۱/۸). به عبارتی، «کار» و «تلاش هدفمند» بهتر و تأثیرگذارتر از کار طولانی اما بدون «هدف مشخص» و «برنامه‌ریزی دقیق» است.

در روایتی دیگر، پیامبر اکرم ﷺ تلاش برای جمع نمودن یک بسته هیزم و فروش آن برای ارتزاق حلال و حفظ آبرو و عزت نفس را، بهتر از دست دراز نمودن پیش دیگران می‌دانند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۰/۶). این حدیث به اصل رجوع به کار اشاره کرده است اما با توجه به سایر روایات (که قبلاً ذکر کردیم) این اصل مطلق به کار هدفمند معنا می‌شود.

در روایات اهل سنت نیز درباره کسب و کار از پیامبر اکرم ﷺ روایت‌های زیادی نقل شده است. به عنوان نمونه، در روایتی از پیامبر اعظم ﷺ سوال شد که بهترین کسب چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: «بهترین کسب آن است که توسط خود شخص بدون معصیت انجام شود» (احمد بن حنبل، ۱۹۹۶: ۴۷۶/۳۱). همچنین پیامبر اکرم ﷺ در جای دیگر می‌فرمایند: «ای مردم! خدا دوست می‌دارد که بنده‌اش را در راه کسب حلال در رنج و زحمت ببیند» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۴/۴، ح ۹۲۰۰).

دو نکته درباره روایات فوق مد نظر است: نکته اول این است که گرچه در دو روایت فوق اشاره به «اصل کار» شده است، اما می‌توان با توجه به سایر روایات و نیز تعقل در فحوای روایات به این نتیجه رسید که «کار هدفمند» به مراتب از «کار بی‌هدف» بهتر است و سبب رونق تولید می‌شود. نکته دوم نیز آن است که انسان مسلمان باید با دست خود کار و تلاش نماید؛ زیرا اگر انسان چشمش به دیگران باشد، رونق و توسعه‌ای برای جامعه او رخ نخواهد داد.

۲. سرمایه‌گذاری مطمئن

به‌کارگیری سرمایه در امور مطمئن اقتصادی از عوامل مهم گسترش رونق تولید است. سرمایه راکد، بدترین نوع سرمایه است. همچنین به‌کارگیری سرمایه در اموری مانند قرض‌های ربوی در اسلام به شدت نکوهش شده است. در روایات فریقین، «سرمایه» به امور مطمئن ارجاع داده شده است تا سبب رونق اقتصادی گردد.

سرمایه در لغت به معنای «رأس المال» است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه سرمایه). سرمایه یکی از مهم‌ترین عناصر رونق تولید است و به سه دسته مالی، انسانی و اجتماعی تقسیم می‌شود. در شماری از روایات شیعه، سرمایه پولی به‌عنوان فضلی از جانب پروردگار شمرده شده است. چنانکه محمد بن عذافر می‌گوید: امام صادق ﷺ هزار و هفتصد دینار به پدرم داد و به او فرمود: با این مبلغ برای من تجارت کن. سپس فرمود: بدان که من رغبتی به سود آن‌ها ندارم، هرچند سود مطلوب است. بلکه دوست دارم خداوند عزوجل، ببیند که جوایای بهره‌مندی از فضل و فواید او هستم (کلینی، ۱۳۶۳: ۷۶/۵).



امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «نعمت‌ها پایدار می‌مانند اگر شکرگزار آن‌ها باشی؛ و باقی نخواهند ماند اگر ناسپاسی کنی، و شکرگزاری نعمت را می‌افزاید» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۷). یکی از مصادیق شکرگزاری از نعمت، استفاده صحیح از آن است. اگر از نعمت‌ها درست استفاده شود هیچ‌وقت پایان نمی‌پذیرند و نعمت سرمایه‌ای است که باید از آن به‌درستی استفاده شود و به سمت تولید و تلاش در کسب معاش سوق داده شود. اگر این سرمایه به‌درستی بهره‌گرفته نشود از بین خواهد رفت و به فقر و تنگدستی منجر می‌شود. بنابراین استفاده درست از سرمایه یکی از عوامل رونق و توسعه تولید است.

در منابع اهل سنت نیز در مورد تجارت و سرمایه‌آحادیث متعددی نقل شده است. اگر کسی چند مرتبه در کاری هزینه کرد و سودی نبرد، باید سرمایه خود را در کار دیگری هزینه کند تا اینکه بهره کافی داشته باشد. برای نمونه، در این زمینه از خلیفه دوم سخنی نقل شده با این مضمون: «هر کس در یک چیز سه مرتبه تجارت کرد و در آن ربح دست نیآورده باشد، باید کار خود را عوض کند» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۲۵/۴). مشابه این سخن، سخنی دیگر از وی با این مضمون نقل شده است: «خدا رحم کند به افرادی که تجارت عطر، مشک و چیزهای بی‌نظیر انجام می‌دهند» (همان: ۷۷۱/۳). بر مبنای این سخن، خداوند به تاجران که با عطر تجارت می‌کنند رحمت نازل می‌کند.

بر مبنای آنچه از آیات و روایات درباره سرمایه بیان گردید، می‌توان گفت سرمایه باید برای رونق تولید استفاده شود و سرمایه‌داران باید هدف‌شان رضایت خداوند و رفع نیازها برای نیازمندان باشد، هرچند سود و ربح کمی داشته باشد؛ زیرا همین ربح کم نیز هم برای مصرف‌کنندگان و هم برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان کمک مهمی شمرده می‌شود و برای چرخه تولید مؤثر است و از این طریق می‌توان به رونق تولید کمک شایانی نمود. بر این اساس، سرمایه‌گذاری یکی از عوامل رشد و رونق تولید است زیرا زمانی که سود به دست می‌آید، می‌تواند به گسترش تولید و رونق صنعت، کشاورزی و ... منجر گردد.

۳. بهره‌گیری مطلوب از زمین

سومین عامل مهم از عوامل اقتصادی رونق تولید، توجه به بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت‌های موجود در زمین برای کشاورزی و سایر اموری است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. زمین در عربی به معنی "أرض" است و در کتب لغوی، زمین به معانی أرض، تراب، خاک و سطح کره خاکی معنی شده است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «زمین»). می‌توان از زمین برای رشد اقتصادی در زمینه‌های مختلف از جمله رونق تولید با کاشت میوه، سبزی، استخراج معادن، ساخت مسکن و ... بهره برد. نکته دیگر اینکه مالک حقیقی زمین خداوند است که آن را به بندگانش اعطا کرده است تا برای بهره‌برداری و رونق بخشی به زندگی خود از آن استفاده‌های گوناگونی داشته باشند.

در روایتی اهمیت «خاک» این چنین بیان شده است: «کسی که با وجود داشتن آب و خاک (زمین) نیازمند (فقیر) باشد، خداوند او را [از رحمت خود] دور می‌گرداند» (حمیری، ۱۳۷۱: ۱/۱۱۵). بهره‌گیری مناسب از خاک، که بخشی از برکات زمین است، می‌تواند نقش مهمی در رونق اقتصادی داشته باشد. خداوند متعال زمین را برای انسان خلق کرده و در اختیار او قرار داده تا از این کره عظیم و نعمت بزرگ استفاده بیشتری نماید. انسان می‌تواند غذا و خوراک و محصولات ضروری زندگی خود را در زمین کشت نموده و از موهبات الهی بهره کافی و وافی ببرد. در روایتی دیگر از امام کاظم علیه السلام آمده است: «زمین از آن خدای متعال است که آن را وقف بر بندگان خود کرده است، پس هر کس زمینی را - بی‌علتی - سه سال پیوسته معطل و ناکشته بگذارد، از دست او بیرون آورده و به دیگری سپرده می‌شود. و هر کس ده سال از مطالبه حق خویش خودداری کند، دیگر حقی ندارد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۹۷/۵).

کشاورزی از اموری است که ارتباط مستقیم با «زمین» دارد؛ امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «بزرگترین اکسیر و کیمیا حرفه کشاورزی است» (فیض کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۳۲/۱۷). البته این نکته قابل ذکر است که کشاورزی موضوعیت و خصوصیت خاصی ندارد بلکه ناظر به شرایط آن زمانه است که آسان‌ترین روش کاربرد زمین بوده است و امروزه می‌توان مصادیق متنوعی برای بهره‌برداری از زمین ذکر کرد که سبب رونق تولید نیز می‌گردد.

در روایاتی که توسط اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است نیز به گونه‌های متفاوتی به اهمیت زمین در کلام آن حضرت اشاره شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به روایتی از آن حضرت با این مضمون اشاره نمود: «هر کس زمین بایری را آباد کند، مال او است» (ابوداود، ۱۴۲۰: ح ۳۰۶۱). در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «کسی که زمینی را آباد کند که مال کسی نیست، آن (مال او است و) بیشتر از دیگران حق دارد» (بخاری، ۱۴۰۶: ح ۲۳۳۵). این روایت نیز می‌گوید که هر کسی زمینی را آباد کند، آن زمین مال او می‌شود و دیگری حق ندارد آن را از او پس بگیرد. از این دو حدیث معلوم می‌شود که آباد کننده صاحب زمین می‌شود. همخوانی و همسانی این روایت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم در مجامع و منابع روایی شیعه و اهل سنت بیانگر اهمیت نقش زمین در زندگی انسان است.

در منابع اهل سنت، زمین از موهبات الهی برای بندگان شمرده شده و به بندگان الهی اجازه داده شده که برای احیاء نمودن، به ملکیت خویش درآوردن و بهره بردن از منافع آن اقدام نمایند. چنانچه روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با این مضمون در منابع روایی اهل سنت ذکر گردیده است: «هر کس زمین غیرآبادی را آباد کند، مال او است» (ابوداود، ۱۴۲۰: ح ۳۰۶۱). هر کس زمین را احیاء کند، یعنی زمین بایر را



هموار کند و با مراعات کشاورزی محصولات بیشتر و بهتری به دست آورد. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «پس هر کس چیزی از اراضی موات را احیا کند، متعلق به خود اوست و برای نهال غاصب حقی نیست» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۹۰۴۶).

۴. زراعت هوشمند

زراعت با آنکه یکی از کارکردهای زمین است اما با توجه به نقشی که در توسعه حیات اقتصادی انسان دارد دارای اهمیت زیادی است؛ لذا در بخشی جداگانه به آن پرداخته‌ایم. می‌توان با پی بردن به اهمیت زمین و نقش و جایگاه آن در رونق تولید به اهمیت زراعت نیز پی برد. امروزه «زراعت» هوشمند شده است و نمی‌توان بی‌مهابا به امر زراعت پرداخت. مثلاً کشت هندوانه در مناطق کم آب صرفه اقتصادی ندارد. لذا برای کشت و زرع باید هوشمندانه مطابق با ظرفیت‌های موجود در مبدأ (محل تولید) و نیازهای فوری در مقصد (بازار) عمل کرد. اصل امر زراعت به صورت کلی در منابع فریقین به وفور یافت می‌شود که بدان‌ها اشاره کرده‌ایم.

زراعت که در لسان عربی «زراعة» نگاشته می‌شود، در منابع لغوی با الفاظ و مفاهیمی چون کشتکاری، کشت و کشاورزی، فلاحت، برزگری، اکاری، مواکره، زرع و حرث آمده است (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «زراعت»). زراعت تا اندازه‌ای در زندگی انسان مسلمان اهمیت دارد که در مباحث فقهی مسائل گوناگون در ذیل ابواب گوناگون و نیز برخی ابواب مستقل پیرامون آن تدوین شده است. منشأ این اهمیت نیز می‌تواند روایاتی باشد که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام درباره نقش و کارکرد اقتصادی زراعت و اجر زرع و کشاورزی در پیشگاه خداوند متعال در آن‌ها بیان شده است. در روایتی منقول از امام صادق علیه السلام کشاورزی و مشاغل وابسته به آن از بهترین و مشروع‌ترین کارها شمرده شده است: «کشاورزی و باغبانی کنید، که به خدا سوگند، مردم عملی را حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن انجام نداده‌اند» (القمی، بی‌تا: ۵۴۹/۱). این روایت را می‌توان ناظر به امکانات حاضر، در عصر رسول‌الله صلی الله علیه و آله دانست زیرا آن زمان بهترین بهره‌برداری از زمین از طریق کشاورزی و باغبانی بود و موضوعیت خاصی ندارد و امروزه می‌توان از شیوه‌های مختلف، از زمین استفاده کرد تا سبب رونق در اقتصاد شود.

همچنین در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله غرس نهال و کاشت بذر که رزق و روزی و یا پرنده‌ای را فراهم کند صدقه‌ای جاریه شمرده شده است: «هر مسلمانی درختی بنشاند، یا زراعتی بکارد و انسانی یا پرنده‌ای یا چرنده‌ای از محصول آن بخورد، برای وی صدقه محسوب شود» (بخاری، ۱۴۰۶: ۸۱۷/۲؛ همان: ۱۱۸/۸). در روایتی از امام سجاده علیه السلام کشاورزی از بهترین مشاغل برشمرده شده است:

«بهترین کارها کشاورزی است» (الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ۲/۲۸۸). این روایت نیز چنان که گذشت می‌تواند راجع به امکانات آن عصر باشد که کشاورزی آسان‌ترین روش بهره‌برداری از زمین بود و موضوعیت ندارد.

لازمه یک شغل حلال بودن و اداء حقوق شرعی آن است. بر همین اساس پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در کنار اینکه به اصل کار کشاورزی و نیز اهتمام به آن تأکید نموده‌اند، نسبت به اداء حقوق شرعی آن هنگام بهره‌برداری از آن نیز یاد نموده‌اند. امام صادق (علیه‌السلام): از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش بکارد و به آن رسیدگی کند و در روز برداشت، حق و حقوق آن را بپردازد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۴/۱۰۳).

بر اساس آنچه از روایاتی که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام درباره اهمیت زراعت بیان گردید، می‌توان گفت زراعت و بذرکاری یکی از مهمترین عوامل رونق تولید و اقتصاد کشورها به شمار می‌رود. کشاورزان و باغداران در تولید و رشد اقتصاد هر کشوری دارای نقش اساسی هستند و این حقیقتی است انکار ناپذیر. کشاورزان با زحمات متعددی که متحمل می‌شوند با کاشت و مراقبت و محافظت چند ماهه، ثمره و نتیجه محصولات خویش را به بازار عرضه می‌نمایند. از طریق محنت و زحمت کشاورزان، نان و برنج و حبوبات و محصولات گوناگون ساکنان یک سرزمین فراهم می‌گردد. ضمن اینکه بر اساس روایات مذکور اجر اخروی فراوانی نیز برای ایشان همراه دارد.

خداوند متعال زمین و آب را برای بهره‌گیری انسان‌ها در اختیار آنها قرار داده است و برای انسان توان کار و تلاش و برنامه‌ریزی عنایت نموده تا از این نعمت‌های خوب استفاده کافی و وافی نماید. در صورتی که از این نعمات بهره نگیرد، خود او مقصر است و حق شکوه در پیشگاه خداوند را ندارد. امام باقر علیه‌السلام: امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمود: «هر که با وجود داشتن آب و خاک نیازمند باشد، خدا [از رحمت خود] دورش گرداند» (حمیری، ۱۳۷۱: ۱۱۵/۱). بر همین اساس، انسان همانگونه که از زمین بهره‌های دیگری می‌برد، باید برای درآمد حلال از آن برای کشاورزی نیز بهره گیرد.

۵. معادن فعال

پنجمین عامل مهم از عوامل اقتصادی رونق تولید، معدن است. بر اساس برخی تعاریف، معدن عبارت است از «اصل و مرکز هر چیزی، مکان و اصل و مرکز چیزی» (دهخدا، ۱۳۴۶: ذیل واژه «معدن»). در مورد معدن در منابع فریقین احادیث فراوانی نقل شده است، چنانکه امام صادق علیه‌السلام خطاب به مفضل درباره معدن به تفصیل سخن گفته‌اند. امام علیه‌السلام خطاب به مفضل اندیشیدن نسبت به نعمت معادن را بیان نموده و انواع آن را برشمرده و توجه و تأمل نسبت به آن را زمینه‌ساز درک نعمات



پروردگار دانسته است: «ای مفضل! درباره این معادن و گوهرهای گوناگونی که از آنها استخراج می‌شود بیندیش، همچون گچ، و آهک، و سنگ گچ، و انواع زرنیخ، و مردار سنگ، و قلع (لحیم)، و سیماب، و مس، و سرب، و نقره، و طلا، و زبرجد، و یاقوت، و زمرد، و انواع سنگ‌ها؛ و همچون قیر و مومیا و گوگرد و نفت و جز این‌ها که از زمین به دست می‌آید و مردمان آنها را در نیازمندی‌های خود به مصرف می‌رسانند. اکنون آیا بر هیچ باخردی می‌تواند پوشیده بماند که همه این‌ها ذخیری است مخصوص آدمی که باید از زمین بیرون آورد، تا به هنگام نیاز مورد استفاده قرار دهد؟...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۶/۶۰).

در منابع روایی اهل سنت نیز درباره اهمیت معادن و کارکرد آن در زندگی و رشد و رونق تولید و اقتصاد روایات گوناگونی ذکر شده است. چنانچه در کتاب صحیح بخاری به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی با این مضمون نقل شده است: «در معدن ضمانت (دیه یا قصاص) نیست، و در چاه ضمانت نیست و در حیوانات ضمانت نیست ولی در کالاهایی که از کان گرفته شده است خمس دارد.» (بخاری، ۱۴۰۶: ۱۷۰/۸).

همچنین از مکحول نقل شده است: «عمر بن خطاب معدن را بمنزله کنز قرار داده است». رکاز نزد اهل حجاز به آن دسته از کنزها (گنج) گفته می‌شده که در زمان جاهلیت داخل زمین دفن می‌کردند (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۵۴۱/۶). «رکاز» هم چیزی است که از دفن‌شده‌های اهل جاهلیت به دست می‌آید. پس هر که رکازی بیابد، باید خمس آن را به حکومت بدهد و بقیه مال خود او به شمار می‌رود (ترمذی، ۱۴۱۹: ۱۴۵/۶).

بر اساس آنچه بیان گردید، معدن یکی از نعمت‌های الهی به شمار می‌رود که از جانب خداوند به بندگان واگذار شده است. معدن می‌تواند در زمینه رشد اقتصاد و رونق تولید برای هر کشوری نقش مهمی ایفا نماید. امروزه معادن گوناگون در کشورهای مختلف بستری برای فراهم‌سازی بودجه‌های کلان جهت گردش سرمایه، فراهم‌سازی بازار کار، تقویت نظام اقتصادی کشورها و بسترسازی برای مشاغل مستقیم و غیر مستقیم به شمار می‌روند. درآمد معادن و صادرات محصولات معادن به کشورهای مختلف زمینه ارزآوری و تعامل اقتصادی بین کشورهای مختلف را فراهم می‌سازد. در روایتی امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل معادن مختلف را بیان کرده و هرکدام را برای رونق تولید کشور تأثیرگذار دانسته است. امروزه در دنیای اقتصاد، یکی از عوامل بزرگ رونق تولید کشور همین معدن است. از جمله محصولات مهم معادن که کشورهای مختلف به آن وابسته هستند می‌توان به طلا، نقره، نئین‌ها، اورانیوم، سیمان، گچ، نفت، گاز، پتروشیمی، سنگ‌های قیمتی، شن و ... اشاره نمود که

تولیدات کشورهای مختلف به این محصولات وابسته است. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل اهمیت معادن و کارکرد آن را در زندگی انسان به گونه ای روشن و شفاف بیان نموده است: «درباره این معادن و گوهرهای گوناگونی که از آنها استخراج می شود....؛ و همچون قیر و مومیا و گوگرد و نفت و جز اینها که از زمین به دست می آید و مردمان آنها را در نیازمندی های خود به مصرف می رسانند. اکنون آیا بر هیچ باخردی می تواند پوشیده بماند که همه اینها ذخایری است مخصوص آدمی که باید از زمین بیرون آورد، تا به هنگام نیاز مورد استفاده قرار دهد؟...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۶/۶۰).

امام علیه السلام به گونه ای روشن نقش و کارکرد اقتصادی معادن را بیان نموده و امروزه می بینیم معادن و ذخایر گوناگون آن نقش مهمی برای تولید کشورها دارند و از طریق این معادن اقتصاد کشورها رونق می یابد. در منابع روایی اهل سنت نیز معدن و کارکردهای آن بیان گردیده و تعلق گرفتن خمس نسبت به معادن تصریح شده است. چنانکه بخاری در صحیح اش آورده است: «در معدن ضمانت (دیه یا قصاص) نیست، و در چاه ضمانت نیست و در حیوانات ضمانت نیست ولی در کالاهایی که از معدن گرفته شده است خمس دارد» (بخاری، ۱۴۰۶: ۱۷۰/۸). با تأمل بر این حدیث می توان دریافت معدن یکی از پُر ارزش ترین اموری است که با توجه به کارکرد اقتصادی که در زندگی انسان مسلمان دارد به آن خمس تعلق می گیرد و با کنار هم قرار دادن روایات فریقین می توان به اهمیت داشتن معادن در رونق تولید پی برد. در صورتی که معادن به درستی مورد توجه قرار گیرند و برای استخراج ذخایر و آنچه در درون آنها نهاده شده از تکنولوژی های مدرن بهره گرفته شود و مواد خام و اولیه آن به درستی پالایش شوند، می توانند در تغییر وضعیت اقتصادی جوامع اسلامی و اقتصاد کشورها کمک شایانی داشته باشند.

۶. استفاده بهینه تکنولوژی و دانش اقتصادی

از عوامل مهم رونق تولید، استفاده بهینه از تکنولوژی و دانش است. امروزه بسیاری از صنایع بدون تکنولوژی هیچ کارآیی ندارند و اموری مانند بازار بورس و ارز دیجیتال به دانش اقتصادی خاص نیازمند است. بنابراین استفاده بهینه از تکنولوژی از عوامل مهم رونق تولید به شمار می آید. در روایات فریقین به اصل توجه به علم و دانش تأکید زیادی شده است و می توان با توجه به این اصل، یادگیری دانش اقتصادی را نیز از موضوعات مهم جهت رونق تولید برشمرد.

در احادیث شیعه، روایتی که از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به دست ما رسیده نشان دهنده تأکید ایشان به امر علم آموزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «جوئیدن دانش بر هر مسلمانی واجب است» (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۰/۱). در روایتی دیگر ایشان می فرماید: «دانش اصل تمام خوبی هاست و نادانی ریشه تمام بدی ها» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۵/۷۴).



هنگامی که آیاتی از قرآن در نکوهش قوم عرب، به جهت عدم ثبات و پایداری در ایمان و تهدید به جایگزینی قوم دیگر به جای آنها، برای پذیرش ایمان نازل شده، مانند این آیه شریفه: «اگر شما از پذیرش این دین روی بگردانید، ...، مردانی که در راه خدا جهاد می‌کنند و هرگز از سرزنش کنندگان هراسی به خود راه نمی‌دهند» (مائده ۱۵۴)

در منابع اهل سنت از پیامبر ﷺ روایت شده است که: غبطه جایز نیست مگر در دو مورد: یکی، شخصی که خداوند به او مال و ثروت داده و به او همت بخشیده است تا آن را در راه خدا خرج کند؛ دوم، کسی که خداوند به او علم و معارف شرعی عنایت فرموده و او از علم خود، دیگران را بهره‌مند می‌سازد و با عدالت قضاوت می‌کند (بخاری، ۱۴۰۶: ۲۵/۱).

علم و تکنولوژی از ملزومات واقعی عمل اقتصادی است. امروزه با گسترش علوم و تخصصی شدن علم، «دانش اقتصاد» می‌تواند جهت رونق تولید کمک فراوانی نماید. همچنین بهره‌برداری از تکنولوژی روز در کارخانجات تولیدی و ساخت دستگاه‌های پیشرفته تولید، از امور ضروری جهت موفقیت در تولید می‌باشد. توجه ویژه پیامبر گرامی اسلام ﷺ به اصل علم و سوادآموزی که در منابع شیعه و اهل سنت ذکر شده است، حاکی از اهمیت این امر در تمامی مسائل روزمره انسان مسلمان است. فراگیری علم در هر عصر و زمانه مطابق شرایط آن روز، ضروری است؛ در دوران معاصر ما «دانش اقتصاد» و «تکنولوژی» از امور مهمی است که باید مسلمانان نسبت به آن اهتمام ویژه داشته باشند؛ خصوصاً در این شرایطی که اقتصاد شدیداً رقابتی شده و متکی بر «علم» و «تکنولوژی» است. اگر مسلمانان نسبت به این امر غفلت ورزند، در رقابت‌های اقتصادی شکست خواهند خورد. بنابراین لازم است خود را به دانش و تکنولوژی روز مجهز سازند.

نتیجه‌گیری

رونق تولید، نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. در این نوشتار، شماری از عوامل اقتصادی که در رونق تولید نقش مهم و اساسی دارند بازخوانی و مورد توجه قرار گرفت. آنچه در بازخوانی این عوامل مورد توجه بود، بنیان‌های دینی آنهاست که از طریق روایات فریقین در منابع روایی شیعه و اهل سنت بیان گردیده است. توجه و تأمل نسبت به این امور می‌تواند ما را به اهمیت رونق تولید از منظر مبانی دینی آشنا سازد.

از طرف دیگر، این مسئله گویای این امر است که در زمینه رونق تولید و مباحث اقتصادی، آنچه که در اقتصاد اسلامی و بنیان‌های قرآنی، روایی و فقهی اقتصاد اسلامی آمده، از جانب اقتصادپژوهان



کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه اشاره شد، در روایات فریقین به طور عمومی و کلی، عوامل اقتصادی گوناگونی برای رونق تولید برشمرده شده بود که در این نوشتار، شش عامل مهم یعنی: کار و تلاش هدفمند، سرمایه‌گذاری مطمئن، بهره‌گیری مطلوب از زمین، زراعت هوشمند، معدن فعال و استفاده بهینه از تکنولوژی و دانش اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت.

روایات شیعه و اهل سنت با تأکید فراوان به عوامل ذکر شده، رونق تولید را یادآور می‌شوند. با بررسی و کنکاش پیرامون این روایات و تلاش برای بومی‌سازی و نهادینه‌سازی این موارد، می‌توان افقی جدید در علم اقتصاد گشود.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ترجمه: ذهنی تهرانی، محمد جواد، قم: انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، بیروت: لبنان، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۶ م.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن أحمد المالکی المکی، الفصول المهمة، سایر پدیدآورندگان: الغریری، سامی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: میر دامادی، جمال‌الدین، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابو داود، مصر: قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۰ ق.
۷. اورعی، کاظم، اقتصاد برای همه، تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۹۴ ش.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مقدمه: محمد منیر دمشقی، بیروت، بی‌نا، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، مصر: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. تقوی، مهدی، مبانی علم اقتصاد، تهران: اطلس، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل‌البتیة علیه السلام، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیه السلام لإحیاء التراث، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، نبهانی، یوسف بن اسماعیل، الفتح الکبیر فی ضم الزیادة إلی الجامع الصغیر، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ ق.
۱۶. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار، عراق: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۲، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، قم: اسوه، بی‌تا.



۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، لبنان: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. محدثی، جواد، فرهنگ غدیر، قم: انتشارات معروف، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. معلوف، لويس، المنجد فی اللغة، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
۲۶. نظری، حسن آقا، نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، مجله نظریه‌های کاربردی اقتصاد (پژوهش‌های اقتصادی کاربردی سابق)، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵ ش.



Bibliography

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*.
2. 'Arwaeī, Kāzīm, *Iqtisād barāy-i Hamah (Economics for All)*, Tehran: Dānshgāh-i San'atī Amīrkabīr, 1394 SH (2015 CE).
3. Abū Dāwūd, Sulaymān bin Ash'ath, *Sunan Abī Dāwūd (The Sunnahs of Abū Dāwūd)*, Cairo: Dār al-Ḥadīth, 1420 AH (1999 CE).
4. Al-Suyūfī, 'Abd al-Rahmān bin Abī Bakr, *Al-Fath al-Kabīr fī Damm al-Ziyādah ilā al-Jāmi' al-Ṣaghīr (The Great Victory in Adding the Additions to al-Jāmi' al-Ṣaghīr)*, Beirut: Dār al-Fikr lil-Ṭibā'ah wa al-Nashr wa al-Tawzī', 1423 AH (2002 CE).
5. Bukhārī, Moḥammad bin Ismā'īl, *Sahīḥ al-Bukhārī (The Authentic Bukhārī)*, Introduction by: Moḥammad Munīr Damishqī, Beirut: No Publisher, 1406 AH / 1986 CE.
6. Dehkhodā, 'Alī Akbar, *Lughat-Nāmāh (The Dictionary)*, Tehran: Dānshgāh-i Tehrān, 1346 SH (1967 CE).
7. Farāhīdī, Khalīl bin Aḥmad, *Al-'Ayn (The Source)*, 2nd Edition, Qom: Intishārāt Hijrat, 1410 AH (1990 CE).
8. Ḥakīmī, Moḥammad Rizā, Ḥakīmī, Moḥammad and Ḥakīmī, 'Alī, *Al-Ḥayāh (The Life)*, Translated by: Aḥmad Ārām, Tehran: Daftar Nashr Farhang Islāmī, 1380 SH (2001 CE).
9. Ḥimyarī, 'Abdullāh bin Ja'far, *Qurb al-Isnād (The Proximity of the Chains of Narrators)*, Qom: Maktabat al-Āl al-Bayt (a.s.) li Iḥyā' al-Turāth, 1371 SH (1992 CE).
10. Ḥurr 'Āmilī, Moḥammad bin Ḥassan, *Wasā'il al-Shī'ah (The Means of Shī'ah)*, Edited and corrected by: Maktabat al-Āl al-Bayt (a.s.), Qom: Maktabat al-Āl al-Bayt (a.s.), 1409 AH (1989 CE).
11. Ibn Bābawayh, Moḥammad bin 'Alī, *'Ilal al-Sharā'i' (The Reasons of Islamic Laws)*, Translated by: Zehnī Tehrānī, Moḥammad Jawād, Qom: Intishārāt al-Mu'minīn, 1380 SH (2001 CE).
12. Ibn Ḥanbal, Aḥmad bin Moḥammad, *Musnad Aḥmad bin Ḥanbal (The Hadith Collection of Aḥmad bin Ḥanbal)*, Beirut: Maktabat al-Risālah, 1996 CE.
13. Ibn Manzūr, Moḥammad bin Mukarram, *Lisān al-'Arab (The Tongue of the Arabs)*, Edited and Corrected by: Mīr Dāmādī, Jamāl al-Dīn, Beirut: Dār al-Fikr lil-Ṭibā'ah wa al-Nashr wa al-Tawzī', 1414 AH (1994 CE).
14. Ibn Ṣabbāgh Mālikī, 'Alī bin Moḥammad bin Aḥmad al-Mālikī al-Makkī, *Al-Fuṣūl al-Muhimmah (The Important Chapters)*, Other Contributors: al-Gharīrī, Sāmī, Qom: Dār al-Ḥadīth, 1379 SH (2000 CE).
15. Kulaynī, Moḥammad bin Ya'qūb, *Al-Kāfi (The Sufficient Source of Narrations)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, 1363 SH (1984 CE).
16. Ma'lūf, Luwīs, *Al-Munjid fī al-Lughah (The Munjid in Language)*, Qom: Dhuwī al-Qurbā, 1380 SH (2001 CE).
17. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Bihār al-Anwār (The Seas of Lights)*, Lebanon: Maktabat al-Wafā', 1403 AH (1983 CE).
18. Mu'īn, Moḥammad, *Farhang-i Fārsī Mu'īn (The Persian Dictionary by Mu'īn)*, Tehran: Mū'assisah Intishārāt Amīrkabīr, 1391 SH (2012 CE).

Muḥaddithī, Jawād, *Furhān-i Ghadīr (The Culture of Ghadīr)*, Qom: Intishārāt .۲۷

Ma'rūf, 5th Edition, 1385 SH (2006 CE).

19. Mutqī Hindī, 'Alī bin Ḥusām al-Dīn, *Kanz al-'Amāl fī Sunan al-Qawāl wa al-Af'āl (The Treasure of Deeds in the Traditions of Words and Actions)*, Lebanon: Maktabat al-Risālah, 1409 AH (1989 CE).
20. Naẓarī, Ḥassan Āqā, *Naẓariyah-pardāzī-i Iqtisād-i Islāmī (Theoretical Foundations of Islamic Economics)*, Majallah-i Naẓariyyah-hā-yi Kārburdī-i Iqtisād (Applied Economic Theories Journal), Vol. 3, No. 2, Summer 1395 SH (2016 CE).
21. Qummī, 'Abbās, *Safīnat al-Biḥār wa Madīnat al-Ḥukm wa al-Āthār (The Ship of Seas and the City of Rulings and Narrations)*, Qom: Oswa Publications, n.d.
22. Ṭabarsī, 'Alī bin Ḥassan, *Mishkāt al-Anwār (The Niche of Lights)*, Iraq: Maktabat al-Ḥaydariyyah, 1385 AH (1965 CE).
23. Ṭabarsī, Faḍl bin Ḥassan, *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Comprehensive Exposition of the Interpretation of the Qur'ān)*, Introduction by: Moḥammad Jawād Balāghī, Tehran: Nāṣir Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
24. Taqvī, Maḥdī, *Mabānī 'Ilm Iqtisād (Foundations of Economic Science)*, Tehran: Atlas, 1375 SH (1996 CE).
25. Tirmidhī, Moḥammad bin 'Īsā, *Sunan al-Tirmidhī (The Sunnahs of Tirmidhī)*, Cairo: Dār al-Ḥadīth, 1419 AH (1998 CE).